

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۳۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۵

بررسی عملکرد نهاد وکالت در دوران اختفا و زندان حسین بن روح نوبختی

مجید احمدی کچایی^۱

محمد مهدی صمصامی^۲

چکیده

با غیبت امام دوازدهم و آغاز پدیده غیبت صغرا، نهاد وکالت - به خصوص وکلای اربعه - بیشترین تأثیرگذاری را بر عملکرد امامیه داشته‌اند؛ به طوری که این نهاد، بسیاری از مشکلات امامیه را در آن دوره رفع می‌کرد. این مهم به دنبال اختفا و سپس حبس حسین بن روح نوبختی به عنوان یکی از ارکان وکلای اربعه، سبب مشکلات بسیاری در میان امامیه شد. این جستار به جریان اختفا و حبس وی می‌پردازد و بررسی خواهد کرد که او چگونه به زندان رفت. همچنین با بررسی زندگی شلمغانی به عنوان یکی از افراد اثرگذار آن دوره، اشاره خواهد شد که وی نمی‌توانسته جانشین یا وکیل حسین بن روح باشد. در عین حال توانست برخی از شیعیان را متوجه اندیشه‌های غالبانه خود کند. در این میان بیشترین نقش به اسکافی داده شده؛ وی که یکی از کارگزاران دستگاه وکالت به شمار می‌رفت، در دوران حبس حسین بن روح نوبختی، در برخورد با شلمغانی نقشی بسزا داشت و این احتمال وجود دارد که وی جانشین ابن روح در آن سال‌ها بوده است.

واژگان کلیدی

حسین بن روح، نهاد وکالت، اسکافی، شلمغانی.

۱. دکتری تاریخ و تمدن اسلامی و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (نویسنده مسئول)

(majid.ahmadi.313@gmail.com)

۲. دانش پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت.

بررسی نهاد وکالت در دوران اختفا و حبس حسین بن روح نوبختی (۳۰۶-۳۱۷ ق) - سومین وکیل امام دوازدهم علیه السلام - از اهمیتی برخوردار است. در آن دوره علاوه بر پدیده غیبت امام دوازدهم، شیعیان امامی با حبس سرپرست نهاد وکالت و انحراف شلمغانی - یکی از افراد صاحب نفوذ و نزدیک به ابن روح - مواجه شدند. نوشتار حاضر در پی این سؤال است که چگونه نهاد وکالت در آن دوره به مسیر خویش ادامه داده و چه کسی جانشین حسین بن روح بوده است؟ در سال های اخیر، درباره غیبت صغرا، نهاد وکالت، خاندان نوبختی، و وکلای امامی و مدعیان وکالت آثاری ارزنده نگاشته شده است؛ *تاریخ غیبت صغرا* (سید محمد صدر)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام* (جاسم حسین)، *تاریخ عصر غیبت* (سید مسعود پورسیدآقایی)، *اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغرا* (حسن حسین زاده شانه چی)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام* (محمد رضا جباری)، *زندگی نواب خاص امام زمان علیه السلام* (حسین غفارزاده)، *ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سفیر سوم (عبدالرحیم ابادزی)*، پایان نامه *خاندان نوبختی (عباس اقبال آشتیانی)*، *بررسی زندگانی سیاسی، فرهنگی شلمغانی (محمد تقی ذاکری)*، مقاله «علل دستگیری حسین بن روح نوبختی» (طاهره عظیم زاده) از این جمله اند. در بسیاری از این آثار، حبس ابن روح و علت آن بررسی شده و حتی برخی از آنان مانند مقاله «علل دستگیری حسین بن روح نوبختی» به این امر اختصاص یافته است؛ اما خلأ موجود در این آثار، بررسی نشدن اوضاع نهاد وکالت در این سال ها و نقش اسکافی و شلمغانی در آن دوره است.

پژوهش پیش رو درصدد است با بررسی دقیق عملکرد نهاد وکالت، به این سؤال ها پاسخ دهد که حبس ابن روح چه اثر منفی بر نهاد وکالت داشته است؟ و سرپرستی نهاد وکالت در این دوران بر عهده چه کسی بوده است؟

ابتدا لازم است به معرفی حسین بن روح بپردازیم و سپس برخی از واژگان کلیدی پژوهش مورد واکاوی قرار گیرد.

زیست نامه حسین بن روح نوبختی

ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی، سومین وکیل امام دوازدهم علیه السلام در خلال سال های ۳۲۶-۳۰۵ ق بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۶، ۳۸۶-۳۸۷). تاریخ و محل تولد وی همچنین نسب دودمانی او به درستی آشکار نیست. در منابع، او را نوبختی (همو: ۳۷۱)، روحی

(همو: ۳۷۰)، و در برخی موارد، قمی (کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۷) دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد نوبختی به تدریج به وکیل دوم پیوست و پس از مدتی منزلتی خاص یافت (نک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۰۱-۵۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۶۷-۳۶۸، ۳۷۰). پس از وفات وکیل دوم در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵، ابن‌روح جانشین وی شد. وی از سال انتصاب خود به مقام وکالت تا اوان وزارت حامد بن عباس^۱ (جمادی الآخر ۳۰۶ - ربیع الاول ۳۱۱) در بغداد می‌زیست (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۱). بنابر نقل برخی از منابع، حسین بن روح در دربار عباسی نفوذ داشت و مورد احترام مقتدر - خلیفه عباسی - (۲۹۵-۳۲۰) بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۸۴). همچنین وی مورد توجه وزیر مقتدر (۲۹۵-۳۲۰)، ابن‌فرات (۳۱۱) بوده است (همو: ۳۷۲). با پایان یافتن حاکمیت آل فرات^۲ به دست حامد بن عباس (۳۱۱-۳۰۶)، وزیر جدید به حبس و مصادره آل فرات و بستگان وی اقدام کرد. در این میان وی از حسین بن روح - که از دوستان خاندان ابن‌فرات به شمار می‌رفت - نگذشت. البته چگونگی برخورد حامد با ابن‌روح و اساساً زندگی وکیل سوم از این تاریخ (۳۰۶ ق) تا سال ۳۱۷ - که از حبس خارج شد - به درستی روشن نیست (نک: ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۱؛ همو، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ۲۲۳؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۴۵: ۲۱۷-۲۱۸) و تنها از منابع امامیه و اهل سنت نکاتی را می‌توان استنباط کرد. وی در سال ۳۲۶ ق از دنیا رفت.

مفهوم‌شناسی

در ادامه لازم است برخی از واژگان مرتبط با پژوهش مورد واکاوی قرار گیرد:

وکیل

از جمله واژگان مورد بحث در دوره غیبت صغرا، مفهوم وکیل بود که به نمایندگان امام دوازدهم اطلاق می‌شد. لغت‌شناسان معمولاً در معنای این واژه اختلاف زیادی نداشته‌اند. به همین دلیل در آن، تفاوتی چشم‌گیر دیده نمی‌شود؛ برای نمونه در *مفردات الفاظ القرآن* به معنای درکاری به دیگری اعتماد کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۲) و در *لسان العرب* به معنای کفیل آمده است. این اصطلاح به طور عمده به برخی از یاران حضرت اطلاق می‌شده که

۱. حامد بن عباس در سال‌های ۳۰۶-۳۱۱ بین دو نوبت، وزیری ابوالحسن علی بن فرات وزارت مقتدر را بر عهده داشت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۸، ۱۱۰-۱۱۲، ۱۳۹).

۲. ابن‌فرات از جمله خاندان‌های قدرتمندی بودند که ابن‌روح با ایشان ارتباط داشته است، به طوری که نقل شده اموالی از این خاندان در اختیار حسین بن روح قرار داشت (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۲).

۳. برای مطالعه بیشتر، نک: صادق سجادی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱.

وظایفی خاص داشتند. این گروه از یاران امامان در قالب نهادی به نام نهاد وکالت تعریف می‌شوند.

اما آن‌چه به عنوان مصداق وکالت مطرح می‌گردد این است که آن نهاد تحت شرایط و ضرورت اجتماعی و سیاسی آن روز در ابتدای خلافت عباسیان توسط امامان میانی شیعه شکل گرفت که به طور عمده تفویض امور در عرصه‌هایی همچون جمع‌آوری وجوهات، سامان دادن توده امامیه و... از جمله کارکرد آنان بوده است. البته عمده کار این نهاد در دوره غیبت صغرا و در غالب پنهان‌کاری نسبت به خود امام - یعنی نام و مکان امام و سامان دادن شیعیان امامی - بود.

امامیه

برای شناخت صحیح یک واژه، علاوه بر رجوع به منابع دست اول، باید دانست به کار رفتن اصطلاحی خاص، حاکی از رواج آن مفهوم در آن دوره زمانی بوده است. گویا این مفهوم برای نخستین بار در نیمه سده دوم هجری به کار رفته که البته به معنای خاص آن - گروهی خاص یا دسته‌ای از شیعیان - توجه شده است. چنان‌که نقل شده است، زید (۱۲۱ق) در جریان قیام خویش، از برخی افراد امامی کمک خواسته بود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۱). همچنین به اطرافیان امام هفتم علیه السلام امامی گفته می‌شد (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۰۹).

علاوه بر نشانه‌هایی که در متن برخی از گزارش‌ها ذکر شد، دیگر نقل‌های وارد شده در این باره، گواه آن است که مفهوم امامیه پیش از آغاز غیبت صغرا، به بخشی مهم از شیعیان اطلاق شده است. در دوره غیبت صغرا این مفهوم، اصطلاحی برای گروهی از شیعیان به کار می‌رفت که در ادبیات علمی شیعه و سنی آن دوره مرسوم بوده است. در میان شیعیان امامی، کتاب‌هایی با عنوان امامیه تدوین شد که می‌توان به *الرد علی فرق الشیعة ما خلا الامامیه* (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۳) و *مقالات الامامیه* (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۲۲) اشاره کرد (نک: اشعری، ۱۹۶۹: ۱۷). همچنین در این دوره، مفهوم امامیه در میان فرقه‌شناسان نیز مرسوم بوده است؛ برای نمونه نوبختی از امامیه با همان ویژگی ذکر کرده است (نوبختی، ۱۹۶۹: ۱۱۲). اشعری نیز در چند بخش از کتاب خویش، از امامیه نام می‌برد (نک: اشعری، ۱۹۶۹: ۱۰۳-۱۰۶). وی در *مقالات الاسلامیین*، در دو جا از اصطلاح امامیه استفاده کرده است (همو: ۱۷-۳۱). کمی پس از پایان غیبت صغرا، ابی نصر بخاری در *سلسلة العلویة* (بخاری، ۱۳۸۹: ۴۰) و مسعودی در *التنبیه و الاشراف* (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۵۸) و *مروج الذهب* (همو، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۰۸، ج ۳، ۲۰۸-۲۰۹) نیز این لفظ را به کار بردند.

جایگاه وکالت در میان امامیه در دوره غیبت صغرا

اولین گزاره‌های خبری درباره ورود شیعه به دوران غیبت صغرا توسط وکلا طرح شد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۰) و بار دیگر، این گروه از اصحاب حضرت بودند که مدعی ورود امامیه به دوران غیبت کبرا شدند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۴) و خود به دستور امام، نهاد وکالت را پایان یافته دانستند. بنابراین نهاد وکالت و به خصوص وکلای اربعه در نگاه شیعیان، جایگاهی بس رفیع داشته‌اند.

منابع متقدم، با پیدایش غیبت صغرا، چهار نفر را به عنوان وکیلان اصلی معرفی کردند. تنها منبعی که امروزه از میان رفته و گویا از چهار وکیل اصلی سخن به میان آورده است، *اخبار الوکلاء الاربعه* اثر احمد بن نوح بصری است که عمده خبری‌های آن نیز توسط شیخ طوسی در کتاب *غیبت* بازتاب یافته است. شیخ طوسی نه تنها به *اخبار الوکلاء الاربعه* پرداخته، بلکه به وکلای ممدوح و مذموم دیگری نیز اشاره داشته است (همو: ۳۴۵).

برخی از منابع مقدم بر شیخ طوسی، به وکلای اربعه اشاره داشته‌اند؛ برای نمونه شیخ صدوق به عنوان یک منبع بالادستی و دارای تقدم زمانی بر شیخ طوسی، گزینش وکلای اصلی را توسط خود امام می‌داند و بر وکالت ایشان تأکید دارد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۲) و کشی با انتساب این دسته از وکیلان به امام، از آنان به کسانی تعبیر می‌کند که امر وکالت دایر مدار ایشان بوده است (کشی، ۱۴۰۹: ۸۱۳).

همچنین ابوسهل نوبختی که گویا وی از جمله دستیاران وکیل دوم بوده (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۳) و گفته شده به اندازه‌ای در دستگاه وکالت رفعت مقام داشته که دیگران او را نامزد مقام نیابت می‌دانستند (همو: ۳۹۱)، به رغم این توصیفات وی، به مقام وکلای خاص اشاره غیرمستقیم دارد. به طوری که از نقل او تمایز وکیل خاص از دیگران فهمیده می‌شود،^۱ در این نقل وی به طور ضمنی چنین تأکید دارد که آن وکیل سبب اتصال دیگران با امام عصر علیه السلام است. در نتیجه می‌توان تمایز وکلای اصلی با غیر ایشان را در سه امر دانست:

۱. انتخاب و تعیین این دسته از وکلاء به دستور امام صورت می‌پذیرفته است؛^۲

۱. و قد ذکر بعض الشيعة ممن كان في خدمة الحسن بن علي عليه السلام وأحد ثقاته أن السبب بينه وبين ابن الحسن بن علي عليه السلام متصل و كان يخرج من كتبه وأمره ونهيه على يده إلى شيعته إلى أن توفي وأوصى إلى رجل من الشيعة مستور فقام مقامه في هذا الأمر (صدوق، ۱۳۹۵: ۹۰).

۲. درباره وکیل اول و دوم، منابع بسیاری بر تعیین ایشان توسط امام یازدهم و دوازدهم علیهما السلام گواهی داده‌اند (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶، ۳۹۳؛ کشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۱۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۳). همچنین درباره حسین بن روح نیز نقل شده که انتخاب وی توسط وکیل دوم، اما به دستور امام عصر علیه السلام صورت پذیرفته بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۶۸؛ درباره انتخاب وکیل چهارم،

۲. توقیعات به دست ایشان صادر می‌شده است (همو: ۳۵۶)؛

۳. وکیل بعدی به دستور امام توسط ایشان معرفی می‌شده، و همچنین اتمام غیبت صغرا و ورود شیعه به دوران غیبت کبرا توسط وکیل چهارم صورت پذیرفت (نک: همو: ۳۹۳). بنابراین وکلا، به خصوص وکیلان اربعه در میان امامیه جایگاهی ویژه داشته‌اند و بزرگان امامیه ایشان را به عنوان حلقه وصل شیعیان و امامشان می‌دانستند. در این میان حسین بن روح نوبختی از جمله وکلای طراز اول غیبت صغرا بوده است که دوران وکالتش با فراز و فرودهایی مواجهه بوده است، به طوری که با دو دوره اختفا و حبس مواجه بوده که زمان دقیق این دوران نیز مشخص نیست.^۱

اختفا و حبس حسین بن روح نوبختی

حسین بن روح چندی پس از انتصاب به وکالت امام علیه السلام، مخفی شد (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۰۲-۳۰۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷۹). زمان آن به درستی آشکار نیست، اما احتمالاً در سال‌های ۳۰۶ تا ۳۱۱ قمری و در دوران وزارت حامد بن عباس بوده است. به نوشته شیخ طوسی، در این دوران شلمغانی رابط او با مردم بود.

بنا بر نقل منابع شیعه، حسین بن روح از ذی حجه سال ۳۱۲ در زندان مقتدر به سر می‌برد (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱۰؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۱). ذهبی - مورخ مشهور قرن هشتم - نیز مدت زندانی بودن حسین بن روح را پنج سال ذکر کرده و سال آزادی او را ۳۱۷ می‌داند (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۱). علت دستگیری او در منابع شیعه نیامده و در منابع تاریخی، دو گمانه طرح شده است؛ عریب بن سعد (۳۷۰ ق) علت دستگیری حسین بن روح را نپرداختن اموالی می‌داند که دیوان از وی خواسته بود (قرطبی، ۱۳۸۷: ۶۹۲۶). سخن دیگر از ذهبی است که علت دستگیری حسین بن روح را ارتباط با قرامطه - که در آن زمان بر بحرین و خلیج فارس مسلط بودند - معرفی می‌کند (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۱). با همه این گمانه‌زنی‌ها می‌توان سه احتمال در مورد دستگیری وی برشمرد:

۱. ابن روح در اواخر وزارت حامد بن عباس (۳۱۱-۳۰۶) در سال ۳۱۱ به زندان افتاد (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۵: ۹۹؛ ذاکری، ۱۳۹۳: ۱۸۸).

نک: همو: ۳۹۳).

۱. این نظر که اندیشمندان امامیه دوره غیبت صغرا چندان به وکلا، به ویژه وکلای اربعه توجه نداشته‌اند مورد پذیرش نگارنده نیست و در پژوهشی دیگر بدان توجه شده است (نک: صفری فروشانی و احمدی کجایی، ۱۳۹۱).

۲. وکیل سوم در دوران وزارت سوم آل فرات، توسط محسن فرزند ابوالحسن علی بن فرات در سال ۳۱۲ دستگیر شد (نک: عظیم‌زاده تهرانی، ۱۳۸۲: ۷۴-۷۸).

۳. ابن‌روح سرانجام پس از چند سال زندگی مخفیانه در دوران وزارت عبدالله بن محمد خاقان در فاصله بین سال‌های ۳۱۲ تا ۳۱۷ به بهانه مسائل مالی و به نقلی به اتهام همکاری با قرمطیان زندانی شد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ج ۲، ۲۰۶؛ نک: نیومن، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

باید توجه داشت که حامد بن عباس در ربیع الثانی سال ۳۱۱ ق از وزارت برکنار شد (قرطبی، ۱۳۸۷: ج ۱۱، ۹۷). بنابراین اگر حسین بن روح پیش از این تاریخ توسط حامد بن عباس به زندان افتاده باشد، مدت زندانی او بیش از پنج سال بوده است که منابع به آن اشاره‌ای نداشته‌اند.

همچنین اگرچه دستگیری ابن‌روح توسط ابن‌فرات با تاریخ سازگاری بیشتری دارد و آن را می‌توان بسامد قدرت یافتن شلمغانی دانست، اما چرخش یکباره ابن‌فرات که از حامیان حسین بن روح بوده را نمی‌توان به راحتی پذیرفت.

در نتیجه، موقعیت مالی حسین بن روح - که در ارتباط با امامیه حاصل شده بود - و امتناع وی از پرداختن این اموال به دیوان دولتی (همو: ۱۲۲) و همچنین اوج‌گیری شورش قرامطه در همان سال‌ها و ارتباط وی با وزرای برکنار شده - که زمانی خانه خویش را محل آمد و شد این دسته از افراد قرار داده بود - احتمال سوم را قوت می‌بخشد. وی پس از یک دوره زندگی مخفیانه به دلایل ناآشکاری دستگیر و به زندان رفت و در دوران اختفا و حبس وی همچنان نهاد وکالت به عملکرد خویش ادامه داد.

زمان و علت دستگیری حسین بن روح نوبختی

همان‌طور که گفته شد منابع امامیه و اهل سنت از دستگیری حسین بن روح حکایت می‌کند، اما تاریخ دقیق زندانی شدن او در این منابع مشخص نشده، و تنها شیخ طوسی از حبس وی در ذی الحجه سال ۳۱۲ خبر داده (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱۰) و ذهبی تاریخ آزادی او را بعد از پنج سال در محرم سال ۳۱۷ ق ذکر می‌کند (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۱).

نکته این جاست که چه کسانی عهده‌دار نهاد وکالت در آن دوره بوده‌اند، و چه کسی سرپرستی ایشان را در دوران حبس ابن‌روح به عهده داشت، در ادامه نهاد وکالت و وکلای آن دوره و سپس گمانه‌های ریاست آن نهاد مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت.

نقش شلمغانی در دوره حبس و اختفا (۳۰۶-۳۱۷ق)

به‌رغم اشاره منابع امامی به زندگی مخفیانه وی، در عین حال به درستی آشکار نیست چه کسی در این دوران جانشین وی بوده است، گرچه شیخ طوسی به نقل از ابو غالب زراری می‌نویسد: «در این دوران شلمغانی وکیل ابن‌روح و رابط او با مردم بود» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۰۲-۳۰۴).

گفتنی است قطب راوندی همین خبر را نقل می‌کند، با این تفاوت که در نقل او سخنی از واسطه بودن شلمغانی نیست. ابو غالب زراری می‌گوید: «به دیدار حسین بن روح در مخفیگاه او رفتم» (راوندی، ۱۴۰۹).

این خبر جایگاه شلمغانی را در میان امامیه و به‌خصوص در میان تیره بنی‌بسطام - که گرایش شیعی آشکاری داشته‌اند - بیان می‌کند. وی از جمله افرادی است که در دوره غیبت صغرا سر و صدای زیادی در میان شیعیان امامی به وجود آورد و حتی تا اندازه‌ای توانست خلافت عباسی را تحت تأثیر باورهای خویش قرار دهد.^۱ به تصریح بسیاری از منابع امامی، شلمغانی از عالمان امامیه و مورد احترام امامی مذهبان بوده، وی پس از مدتی منحرف گشت و ادعاهای ناهمگونی طرح کرد (نک: نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۸؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۴۸؛ ابن‌داود، ۱۳۸۳: ۵۰۸؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۴). در هر صورت نقل مذکور، مربوط به دوران اختفای ابن‌روح بوده؛ چراکه ام‌کلثوم بعد از آگاهی از انحراف شلمغانی، جریان را با حسین بن روح در میان می‌گذارد. ابن‌روح برای بنی‌بسطام نامه می‌نویسد و به دیدار تک‌تک نوبختیان می‌رود (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۰۴ - ۴۰۵) برخی بر این باورند نامه‌نگاری حسین بن روح با بنی‌بسطام حکایت از زندگی مخفیانه ابن‌روح دارد چراکه وکیل سوم اگر مجبور به اختفا نبود نزد بنی‌بسطام می‌رفت و دیگر شلمغانی نمی‌توانست نفرین حسین بن روح را به سود خود تفسیر کند (ذاکری، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

نقل دیگری نیز از شیخ طوسی وارد شده که بر جایگاه علمی شلمغانی تأکید دارد، در این گزارش نوشته‌ای به خط احمد بن ابراهیم نوبختی^۲ و به املاي حسین بن روح نقل شده که در آن سؤالات مردم قم و جواب‌های آن ذکر شده، در پشت نامه مردم قم سؤال کرده بودند، آیا این جواب‌ها از امام علیه‌السلام بوده یا از شلمغانی؟ در جواب این سؤال نوشته شده ما بر این نوشته‌ها

۱. درباره ابن‌ابی‌عزاقر منابع به مسائل مختلفی اشاره داشته‌اند (نک: ذاکری، ۱۳۹۳: ۷۳).

۲. وی به همراه همسرش ام‌کلثوم - دختر وکیل دوم - در مقام کارگزار حسین بن روح نوبختی در بغداد روزگار می‌گذراند و سمت دبیری حسین را بر عهده داشت (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۳).

آگاهی یافتیم و تمام آن جواب مسائل از ما است و عزاقری که خدا او را لعنت کند هیچ دخل و تصرفی در یک حرف از آن نداشته است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۳)

نکته اساسی این است که شلمغانی چه جایگاهی در امامیه داشته است؟ به نظر می‌رسد شلمغانی جانشین ابن‌روح نبوده، چراکه شیخ طوسی وی را در زمره وکیلان متمرّد ذکر نکرده، بلکه وی را در ضمن مدعیان وکالت آورده است (نک: همو: ۴۰۳-۴۱۲)؛ در صورتی که با توجه به روش کتاب غیبت‌نگاری، طوسی بر آن بوده تا میان وکیلان متمرّد و مدعیان وکالت تمایز قائل شود، بنابراین عدم یادکرد وی در جایگاه وکیلان متمرّد می‌توانسته از همین نگاه طوسی متأثر باشد، و حتی طوسی با آن که روایت زراری را در زمینه وکالت شلمغانی آورده گویا آن را نپذیرفته است که نام شلمغانی را در زمره وکیلان متمرّد نیاورده است، (همو: ۳۰۲-۳۰۴) به طوری که همان داستان توسط راوندی از زراری نقل شده، ناظر به وکالت شلمغانی نبوده، (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷۹) و نقل‌های دیگر شیخ طوسی نیز تنها جایگاه علمی وی را آشکار می‌سازد، همچنین پیشینه وکالت وی و حتی یادکرد نام او در هیچ‌یک از منابع به قبل از دوران ابن‌روح باز نمی‌گردد و حتی زمان رحلت وکیل دوم نامی از شلمغانی دیده نمی‌شود. این در حالی است که اسامی افراد قابل ملاحظه‌ای در آن زمان موجود است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۰) و ملاقات ابن‌روح با دیگر اعضای برجسته نهاد وکالت با شلمغانی (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۴، ۱۹۰) پس از رحلت وکیل دوم نشان‌دهنده جایگاه علمی شلمغانی است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۳).

نفوذ وی بر تیره بنی‌بسطام که به واسطه اعتباربخشی ابن‌روح بوده تنها می‌توانسته مرجعیت علمی شلمغانی را نشان دهد و دلیل بر وکالت او نیست، علاوه بر آن ابن‌همام تأکید دارد که وی هیچ‌گاه توسط ابن‌روح عنوان وکالت یا چیزی شبیه آن نداشته را است (همو: ۴۰۸) در نتیجه برابر آن چه نقل شده منصب وکالت شلمغانی چه در دوره حبس ابن‌روح و چه قبل از آن آشکار نیست.

در عین حال وی از جمله کسانی بوده که تأثیری بسزا در زندگی حسین بن روح به خصوص در دوره حبس وی داشته است، گرچه وکالتش مورد پذیرش نیست، اما تردیدی در این که وی از عالمان امامی بوده نیست (همو: ۴۰۸). کتاب‌های او که در موضوعات متنوع نگارش یافته نشان از جایگاه عالمانه وی دارد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۸-۳۷۹). همچنین تألیفات وی در همان زمان مورد توجه و مراجعه شیعیان واقع می‌شد (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۸۹-۳۹۰). علاوه بر جایگاه علمی، شلمغانی به لحاظ اجتماعی نیز مورد توجه حسین بن روح قرار گرفت (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۰۳). شلمغانی از لحاظ سیاسی نیز موقعیت ویژه‌ای داشت و شخصیت‌های مهمی از

دولت مردان عباسی از مریدان شلمغانی به شمار می‌رفتند (تنوخی، ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۸۶). شلمغانی با جایگاهی که به دست آورده بود، شروع به انتشار گمانه‌های خویش در میان شیعیان کرد که با دیدگاه‌های غالیان سازگار بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۰۳-۴۰۴).

حسین بن روح بعد از اطلاع از انحراف شلمغانی پندارهای انحرافی وی را آشکار ساخت (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۰۳-۴۰۵). گفتنی است منابع متعددی عنوان کرده‌اند که در دوره وزارت حامد بن عباس (۳۱۱ - ۳۰۶ ق) حسین بن روح انحراف شلمغانی را آشکار کرد (ازدی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۲۴۱). به همین دلیل از آن‌جا که شلمغانی با حامد بن عباس ارتباط نزدیک داشت تلاش ابن روح به جایی نرسید. و حتی پس از برکناری حامد بن عباس از وزارت نه تنها جایگاه شلمغانی متزلزل نشد، بلکه از آن‌جا که حامی دیگری، یعنی محسن بن فرات صاحب قدرت شده بود شلمغانی قدرت یافت و مدتی عهده‌دار منصب دولتی شد (رازی، ۱۳۷۹: ج ۵، ۱۸۵ - ۱۸۶). با برکناری علی بن فرات از وزارت در سال ۳۱۲ ق و کشته شدن محسن بن فرات، وی حامیان خود را از دست داد. گویا در چنین شرایطی توقیع لعن شلمغانی صادر شد.

در دوران وزارت خاقانی (۳۱۳ - ۳۱۲ ق) حسین بن روح به زندان رفت و شلمغانی تحت تعقیب قرار گرفت و به موصل گریخت (ازدی، ۱۴۲۷). با وزارت یافتن حسین بن قاسم در سال ۳۱۹ ق شلمغانی که به بغداد بازگشته بود، قدرت یافت و بار دیگر پیروانش را به سوی خود فرا خواند (مسعودی، بی تا: ۳۴۳؛ یافعی، ۱۴۱۳: ج ۲، ۲۱۴) و پس از عزل حسین بن قاسم در سال ۳۲۰ ق شلمغانی توانست حمایت بختیشوع بن یحیی، وزیر عباسی را به خود جلب و نزد وی مخفی شود (همدانی، ۱۹۶۱: ج ۱، ۸۶). سرانجام ابن مقله (۳۲۸ ق) وزیر جدید عباسی که با ابن روح روابط خوبی داشت، در صدد برآمد تا شلمغانی را از میان بردارد. بنابراین جریان شلمغانی را با خلیفه عباسی در میان گذاشت و با دستور خلیفه شلمغانی دستگیر و سپس به قتل رسید (ازدی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۲۴۱).

وکیلان دوره اختفا و زندان حسین بن روح نوبختی

پی‌جویی نام افرادی که مقام وکالت را در دوره حبس ابن روح بر عهده داشتند، به درستی امکان پذیر نیست، اما با جست‌وجو در منابع امامیه می‌توان به برخی از ایشان و شیوه عملکردشان اشاره داشت، از جمله مهم‌ترین افرادی که در این دوره بیشترین نقش را پس از ابن روح داشته اسکافی بوده است.

وی از جمله وکلای ابن روح بوده، که با عباراتی همچون شیخ اصحابنا و متقدمهم، عظیم

المنزله، کثیر الحدیث، جلیل القدر معرفی شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۹؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۸)، ابن همام با القابی همچون اسکافی (نجاشی: ۱۳۶۵؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۲)، بغدادی (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۸)، بیزانی (سمعی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۳۹۵) و کاتب (نجاشی، ۱۳۶۵) خوانده شده است. پدر او از یاران امام حسن عسکری علیه السلام بود که با آن حضرت مکاتبه داشت و چنین گفته شده که محمد با دعای آن امام علیه السلام به دنیا آمد. تاریخ ولادت او شش ذی الحجه سال ۲۵۸ ق (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸۰) و تاریخ وفات او را شیخ طوسی و خطیب بغدادی سال ۳۳۲ ق (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۱۳۶) و نجاشی سال ۳۳۶ ق (نجاشی، ۱۳۶۵) ذکر می کنند. بنابراین محمد بن همام اسکافی از معدود کسانی است که در تمامی دوران تاریخ غیبت صغرا (۲۶۰ - ۳۲۹) در بغداد، محل زندگی وکلای امام دوازدهم علیه السلام حضور داشته است، و می توان گفت تمام حیات علمی و اجتماعی او مقارن با دوران غیبت صغرا بوده است.

مجموع روایات مربوط به ابوعلی بن همام گویای همکاری گسترده وی با وکیل دوم و سوم بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۱) چنین نقل شده وی توقیعاتی از سوی امام دوازدهم توسط وکلا دریافت می داشته، و برخی روایات حاکی از ارتباط مستقیم وی با امام علیه السلام است (صدوق ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۳). از اقدامات ابن همام می توان به حضور وی در همراهی بزرگان شیعه در تثبیت جانشینی حسین بن روح اشاره داشت (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۱) بیشترین فعالیت ابن همام در نهاد وکالت مربوط به دوران وکالت ابن روح و در ارتباط با شلمغانی است؛ به طوری که گزارش ها حاکی از آن است که ابن همام در دوران وکالت ابن روح بیشترین مقابله را با شلمغانی داشته است.

وی از جمله اولین کسانی است که از شلمغانی دوری جست. به طوری که طوسی از ابن همام چنین نقل می کند:

از محمد بن علی عزاقری شلمغانی شنیدم که می گفت: حق یک حقیقت واحد است، اما لباس هایش مختلف است. گاهی در لباس سفید گاهی در لباس قرمز و روزی هم در لباس کبود. این اولین حرفی بود که از شلمغانی شنیدم و انکارش کردم؛ چون این حرف همان اعتقاد اهل حلول بود. (همو: ۴۰۸)

گرچه به درستی آشکار نیست چرا اسکافی این پندار شلمغانی را به حلولیه مرتبط می داند. از دیگر فعالیت های ابن همام در رویاروی با شلمغانی انکار جانشینی شلمغانی برای ابن روح است (همو).

اقدام دیگر ابن همام در مقابله با شلمغانی انتشار توقیعی منتسب به امام عصر بوده که در لعن شلمغانی صادر شد. این توقیع در ذی الحجه سال ۳۱۲ و زمانی که حسین ابن روح توسط خلیفه المقتدر (۳۲۰-۲۹۵) زندانی شده بود، صادر گشت (همو: ۴۱۰-۴۱۲). منابع در این ارتباط ذکر نکرده‌اند که وی چگونه به این توقیع دست پیدا کرده؛ چرا که ابن روح در زمان انتشار این توقیع در زندان بوده و نمی‌توانسته با امام در ارتباط باشد، و تنها کسی خبر از توقیع معروف علیه شلمغانی می‌دهد اسکافی بوده است.

علاوه بر این، ابن همام از ارتباط مخفیانه حسین بن روح با امام دوازدهم علیه السلام خبر داده و چنین نقل می‌کند که ابوالقاسم به جهت این که در دست طرفداران مقتدر زندانی بود راجع به افشا نکردن مسئله لعن ابن ابی عزافر از امام درخواست تکلیف کرد، ولی در جواب از ناحیه مقدسه دستور رسید که لعن ابن ابی عزافر را آشکار کند و نترسد که در امان است و پس از مدت کوتاهی بعد از این جریان از زندان آزاد شد. (همو: ۴۱۰)

همچنین ادعا شده سرعت رسیدن توقیع به دست ابن همام به اندازه‌ای بوده که هنوز مرکب توقیع خشک نشده بود. (همو: ۴۰۹-۴۱۰) گفتنی است شیخ طوسی هنگام نقل توقیع مذکور ابتدا طرقی را که به توقیع راه یافته ارائه می‌دهد و چهار طریق را ذکر می‌کند که در هر چهار مورد، توقیع مذکور از حسین بن روح به دست ابو علی محمد بن همام رسیده است. طوسی هنگام ذکر این توقیع به اختلاف‌هایی که در الفاظ آن موجود است نیز اشاره می‌کند (همو: ۴۰۹-۴۱۱). پذیرش این توقیع می‌تواند این گمانه را تقویت کند که وی خود آن را از امام دریافت داشته است.

نجاشی در زمره آثار شلمغانی از کتابی به نام *رسالة الی ابن همام* (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۸) نام می‌برد. با بررسی متون حدیثی و رجالی می‌توان گفت ظاهراً مراد از ابن همام در رساله مذکور محمد بن همام اسکافی است. ناگفته نماند ابن همام در متون حدیثی گرچه اغلب برای محمد بن همام استفاده می‌شود (نک: طوسی، ۱۴۱۴: ۳۰۶؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۸۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۸۲)، اما گاهی اوقات بر اسماعیل بن همام اطلاق می‌گردد (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۱۳۳). از اسماعیل بن همام با عنوان اباهمام یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۵۲). از انگیزه تألیف رساله شلمغانی، زمان، موضوع و متن آن اطلاعی در دست نیست، در عین حال این احتمال دور از ذهن نیست که وی در جواب اسکافی دست به نگارش برده است.

همچنین محمد بن همام درخواست شلمغانی برای مباحله با حسین بن روح و پاسخ

ابن روح را گزارش کرده است (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۰۷). اگرچه در این روایت تاریخ آن ذکر نشده اما به نظر می‌رسد درخواست مباحثه، بعد از آزادی ابن روح از زندان و در سال‌های پس از ۳۱۷ ق باشد، در عین حال طوسی در داستان دیگری چنین آورده است:

بعد از لعن ابن روح و آشکار شدن انحراف شلمغانی و بیزاری شیعیان از وی، شلمغانی در خانه ابن مقله وزیر ۳۲۸ ق در حضور بزرگان شیعه، این درخواست را مطرح کرد. سخنان وی در این خصوص به راضی خلیفه عباسی رسید و او دستور دستگیری و قتل شلمغانی را صادر کرد. (همو: ۴۰۶)

گرچه در این گزارش نام بزرگان شیعه که در این مجلس حضور داشتند ذکر نمی‌شود، اما با توجه به روایت ابن همام می‌توان احتمال داد که وی در این محفل حضور داشته و بعد از شنیدن سخن شلمغانی، آن را به ابن روح رسانده است، و پاسخ حسین بن روح را ابن همام به شلمغانی ابلاغ کرده است (همو: ۳۰۷).

گفتنی است ابن همام علاوه بر مقابله با شلمغانی، با دیگر مدعیان وکالت همچون محمد بن حسن شریعی (همو: ۳۹۷) و احمد بن هلال عبرتایی نقش قابل توجه‌ای داشته است (همو: ۳۹۹).

برخی از محققان بر این باورند، ابن همام در دوره محبوس بودن حسین بن روح خصوصاً بعد از انحراف شلمغانی جانشین ابن روح بوده است (جباری، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۹۷؛ شبیری، ۱۳۸۳: ۱۵ - ۱۶). در مقابل برخی دیگر با رد این گمانه چنین می‌اندیشند، این قبیل روایات چیزی جز نزدیکی ابن همام با وکلا استفاده نمی‌شود و دلالتی بر وکالت ابن همام و جانشینی او از حسین بن روح ندارد و برداشت جانشینی ابن همام برداشتی مبالغه‌آمیز است (فاطمی، ۱۳۸۵: ۱۵۶ - ۱۵۷). با توجه به ساختار نهاد وکالت و رعایت سلسله مراتب در آن نهاد به نظر می‌رسد ادعای جانشینی محمد بن همام برای ابن روح در دوران حبس ادعایی دور از ذهن نیست و تنها ابن همام می‌توانسته واسطه میان حسین ابن روح و امام دوازدهم باشد و وی حلقه وصل امام و ابن روح بوده، به طوری که پیام امام و وکیلش را به یکدیگر می‌رسانده است. همچنین با توجه به این که بیشترین درگیری در میان وکلا توسط وی با شلمغانی صورت پذیرفته، به خصوص انکار جانشینی شلمغانی توسط وی می‌تواند این نظریه را تقویت کند که اسکافی خود جانشین ابن روح بوده است و در شرایط سیاسی حساسی که سبب زندانی شدن ابن روح شده بود، نمی‌توانسته جانشینی خویش را آشکارا بیان کند. این امر به خصوص با انتشار توقیع امام عصر علیه السلام در لعن شلمغانی که در دوران حبس ابن روح بوده (۳۱۲ ق) تقویت می‌یابد؛ چراکه

ابن روح در این دوره نمی‌توانسته با امام در ارتباط باشد و احتمالاً این اسکافی بوده که از امام این توقیع را دریافت کرده است. همچنین وی بوده که از ارتباط امام با ابن روح خبر داده است (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۱۰). در هر صورت در دوران حبس ابن روح بیشترین عملکرد متوجه اسکافی است، در عین حال در ادامه سعی می‌شود به عملکرد دیگر وکلا نیز توجه شود.

شیخ طوسی از افرادی نام می‌برد که در آخرین لحظات عمر محمد بن عثمان بر بالین او حضور داشتند (همو: ۳۷۰-۳۷۱). برخی از محققان بر این باورند این افراد از وکلای برجسته بغداد بودند (حسین، ۱۳۸۶: ۱۹۶). آنان پس از وفات محمد بن عثمان همان گونه که در خدمت ابوجعفر عمری بودند فعالیت‌های خود را تحت نظر نوبختی همچنان ادامه می‌دادند (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۹). این افراد عبارت بودند از ابوعلی بن همام، ابو عبدالله بن محمد کاتب، ابو عبدالله باقطانی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابو عبدالله بن وحناء و جعفر بن احمد بن متیل (همو: ۳۷۰-۳۷۱).

افزون بر این افراد، از جمله وکلای بغداد می‌توان به احمد بن متیل، (همو: ۳۶۹)، محمد بن علی اسود (همو: ۳۷۰)، ابو عبدالله جعفر بن محمد مدائنی (همو: ۳۶۷-۳۶۸)، ابو عبدالله بزوفری (همو: ۳۰۸) و احمد بن ابراهیم نوبختی (همو: ۳۷۳-۳۷۸) اشاره کرد. علاوه بر وکلای بغداد، وکلای دیگر شهرها عبارتند از قاسم بن علاء آذربایجانی، پسر او حسن بن قاسم از وکلای آذربایجان (همو: ۳۱۰-۳۱۵)، محمد بن نفیس وکیل اهواز (همو: ۳۷۲-۳۷۳)، محمد بن جعفر اسدی رازی وکیل ری (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۲۲)، ابوجعفر محمد بن احمد زجوزجی وکیل کوفه (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۰۴-۳۰۷، ۳۲۳-۳۲۴)، علی بن حسین بن علی طبری سمرقندی وکیل سمرقند (همو: ۴۲۹) و محمد بن حسن صیرفی وکیل بلخ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۱۶-۵۱۷؛ رواندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۲۶). در ادامه به عملکرد برخی از وکلا - که در منابع اشاره شده - توجه خواهد شد.

به نظر می‌رسد در آن دوره وکلا همچنان به شیوه پیش از حبس حسین بن روح عمل می‌کردند، در عین حال تنها اسکافی حوزه عملکرد خویش را وسعت بخشید.

از دیگر وکلای وی، ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل نوبختی از بزرگان و متکلمان شیعه امامی به شمار بوده است. نجاشی او را شیخ متکلمان و دارای جلالت عظیم در دین و دنیا می‌داند و مقام او را هم پایه وزرا شمرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱). ابوسهل از جمله بزرگان امامیه است که سمت دستیاری وکیل دوم، محمد بن عثمان را بر عهده داشته است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۱-۳۷۲) و با توجه به سال وفاتش (۳۱۱ ق) وی دوران حبس ابن روح را

درک نکرده و تنها در دوره اختفای ابن روح حاضر بوده است (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۳، ۴۰۹). شاید به همین دلیل وی نام ابن روح را آشکارا بیان نمی کرده است و تنها به این که شخصی مرتبط با امام وجود داشته، اشاره کرده و در این بیان به مستور بودن حسین بن روح توجه داده است.

از دیگر وکلا، ابو محمد حسن بن علی وجناء نصیبی است. گرچه در روایات صدوق و طبرسی نام وی جزو غیر وکلاء از منطقه نصیبین که موفق به دیدار با امام عصر علیه السلام شده اند، آمده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۴۳-۴۴۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۷۵) برابر گزارش طوسی می توان نقش او را در تثبیت وکالت حسین بن روح در دوران اختفای وکیل سوم سال ۳۰۷ ق آشکارا مشاهده کرد (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۱۵-۳۱۷).

از دیگر وکلای حسین بن روح، ابو عبدالله بزوفری است. روایت شیخ طوسی حاکی از آن است که وکیل امام دوازدهم علیه السلام که نام او در خبر ذکر نشده، پاسخ نامه ای که به او ارسال شده بود را به بزوفری ارجاع می دهد (همو: ۳۰۸). با توجه به این که بزوفری در سومین نوبت از وزارت ابن فرات (۳۱۱-۳۱۲) مأمور شد به واسط برود، می توان وکالت وی را در دوران اختفا یا حبس ابن روح دانست (قرطبی، ۱۳۸۷: ج ۱۱، ۹۸). از جمله افراد آل نوبخت که در خدمت نهاد وکالت بودند می توان از احمد بن ابراهیم نوبختی همسر ام کلثوم دختر ابوجعفر عمری نام برد. شیخ طوسی دو گزارش از ارتباط او با نهاد وکالت نقل می کند (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۱-۳۷۲، ۳۷۳-۳۷۸). در یکی از آنان احمد بن ابراهیم قضیه انتصاب وکیل سوم را گزارش می دهد (همو: ۳۷۱-۳۷۲). گزارش دیگر شیخ طوسی در ارتباط با کتابت احمد بن ابراهیم است (همو: ۳۷۳-۳۷۸). در منابع امامیه زمان صدور این نامه ذکر نشده، اما با توجه به محتوای آن احتمال دارد مرتبط به دوران اختفای ابن روح، و پس از آشکار شدن انحراف شلمغانی یا مربوط به دوران حبس و پس از صدور توقیع لعن اوست.

از جمله دیگر وکلای آن دوره ابوجعفر محمد بن علی اسود است که در عصر وکیل دوم و سوم تحت نظر آنان اشتغال داشته است. وی در عصر وکالت ابن روح واسطه میان علی بن بابویه وکیل قم با حسین بن روح نوبختی است و ابن بابویه به واسطه او تقاضای خود مبنی بر دعا برای فرزند دار شدن طرح می کند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۲۷۰). تاریخ دقیق این جریان در منابع مشخص نشده، اما از آن جا که محمد بن جعفر اسدی رازی تا سال ۳۱۲ ق ناظر به فعالیت های وکلای دیگر استان های ایران بود و با وفات رازی در سال ۳۱۲ ق روش ارتباطات میان وکلا و ابن روح تغییر پیدا کرد (حسین، ۱۳۸۶: ۱۹۷). با توجه به سال تولد صدوق می توان احتمال داد ارتباط اسود با پدر صدوق در دوران اختفای ابن روح بوده است.

از جمله وکلای دیگر، ابوجعفر محمد بن احمد زجوزجی وکیل حسین بن روح در کوفه است. شیخ طوسی روایاتی را از ارتباط او با نهاد وکالت نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۰۴-۳۰۷، ۳۲۳-۳۲۴). (۳۸۹، ۳۲۴)

ناگفته نماند این دو روایت با هم در برخی از جزئیات اختلاف دارند. در یکی از آن روایات زجوزجی نامه را به نزد محمد بن علی شلمغانی می‌برد و از او خواهش می‌کند که نامه را به ابن روح برساند (همو: ۳۰۴-۳۰۷)؛ اما در روایت دیگر که راوی آن احمد بن نوح است، سخنی از مراجعه به ابن ابی العزاق در بغداد نیست و نامه از کوفه فرستاده می‌شود (همو: ۳۲۳-۳۲۴). در این گزارش‌ها به تاریخ وقوع اشاره‌ای نشده است. گرچه این احتمال داده می‌شود در سال‌های اختلافی ابن روح بوده است. این احتمال را می‌توان با روایت دیگری که مضمون آن با روایت مذکور یکی است و تنها تفاوتش در همراهی ابوغالب زراری با شخص دیگری غیر از زجوزجی است، تقویت کرد (همو: ۳۰۳-۳۰۴).

در گزارش دیگر نقش شلمغانی در تألیف کتاب *التکلیف* کم جلوه داده شده و بیان می‌شود که او کتاب را تحت نظارت ابن روح نگاشته است (همو: ۳۸۹). گفتنی است شیخ طوسی روایت دیگری در ارتباط با عرضه کتاب یادشده به ابن روح نقل می‌کند که با روایت مذکور در جزئیات تعارض دارد. بنابر این روایت، ابن روح بعد از اتمام کتاب و بعد از آشکار شدن انحراف شلمغانی که در دوره اختلافی ابن روح بوده کتاب را مجدداً مورد بررسی قرار داد (همو: ۴۰۸-۴۰۹).

همچنین احمد بن محمد بن سلیمان از جمله کسانی بود که با نهاد وکالت ارتباط داشت. شیخ طوسی در این خصوص سه روایت (نک: همو: ۳۰۳-۳۰۴، ۳۰۷-۳۰۴، ۳۲۳-۳۲۴) و راوندی یک روایت (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷۹) نقل می‌کند. تمامی این گزارش‌ها اگرچه در جزئیات با هم اختلاف دارند، اما حاکی از رجوع ابوغالب زراری به نهاد وکالت برای رفع مشکل خانوادگی است. این زمان برابر برخی از گزارش‌ها مربوط به دوران اختلافی ابن روح است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۰۳-۳۰۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷۹).

از جمله دیگر وکلای حسین بن روح، قاسم بن علاء آذربایجانی است که در دوران سوم درس ۱۱۷ سالگی از دنیا رفت (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۱۰-۳۱۵). از فعالیت‌های وی در دوران حبس ابن روح خبری یافت نشد و به نظر می‌رسد وی پیش از حبس ابن روح و در دوره اختلافی وی از دنیا رفته باشد؛ چرا که توقیعات توسط محمد بن عثمان و پس از آن توسط ابن روح به قاسم بن علاء به طور مستمر می‌رسید، اما حدود دو ماه ارسال این توقیعات متوقف شد. این توقف می‌توانسته به جهت اختفا یا حبس ابن روح باشد و این توقف موجب نگرانی قاسم بن

علاء شد. حسن بن قاسم بعد از پدرش قاسم بن علاء در دوره وکالت ابن روح عهده دار مقام وکالت می شود (همو). با توجه به آن که قاسم بن علاء در سنین پیری در دوران امامت امام دوازدهم صاحب فرزند شده است (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۶۴۱)، این احتمال داده می شود که فرزند وی در دوران حبس ابن روح زنده بوده و وکالت ابن روح را بر عهده داشته است، اما منابع امامیه از فعالیت او در این دوران گزارشی نداده اند.

نتیجه گیری

با بررسی این دوران - که می توان آن را از سخت ترین دوران نهاد وکالت دانست - به این نتیجه می رسیم که انسجام آن نهاد توسط افرادی غیر از ابن روح حفظ شد. به نظر می رسد دوران اختفا و زندانی شدن حسین بن روح، انکارناپذیر است و این امر بر عملکرد آن نهاد، تأثیر بسیاری گذاشت؛ به خصوص هم زمانی این امر با انحراف شلمغانی به عنوان یکی از اندیشمندان و افراد تأثیرگذار بر امامیه بر پیچیدگی اوضاع افزود، گرچه به نظر می رسد شلمغانی هیچ گاه در مقام جانشینی و وکالت ابن روح نبود و تنها اعتماد ابن روح به او به سبب علم اوست. به رغم فعالیت ابن روح و کارگزارانش، وی توانست در میان بخش قابل توجهی از امامیه، جایگاهی مناسب پیدا کند و اسباب انحراف ایشان را فراهم سازد، گرچه این امر تداوم نداشت. در این میان، شخصیت اثرگذار دیگر نهاد وکالت، اسکافی بود و این احتمال داده می شود که وی جانشین ابن روح بوده و حتی با امام عصر علیه السلام ارتباط داشته و بدین وسیله توانسته حلقه وصل میان امامیه و امام عصر باشد و توقعیاتی را علیه شلمغانی بیاورد. از دیگر وکلای آن دوره، گزارش هایی اندک در دست است.

منابع

- ابن داود، حسن بن علی (۱۳۴۲ش)، *رجال ابن داود*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن طاووس، رضی الدین علی (۱۴۱۵ق)، *الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ازدی، یزید بن محمد (۱۴۲۷ق)، *تاریخ الموصل*، تحقیق: محمد احمد عبدالله، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل بن ابی بشر (۱۹۶۹م)، *مقالات الاسلامیین*، تصحیح: محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، بی نا.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۵ش)، *خاندان نوبختی*، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ دوم.
- بخاری، ابی نصر سهل بن عبدالله (۱۳۸۹ش)، *سلسلة العلویة فی انساب السادة العلویة*، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مکتبة سماحة آية الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، الخزانة العالمیة للمخطوطات الاسلامیة.
- تنوخی، محسن بن علی (۱۳۹۳ق)، *نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة*، تحقیق: عبود الشالچی المحامی، بی جا، محقق.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصرانمه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۶ش)، *تاریخ تشیع*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسین، جاسم (۱۳۸۶ش)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *رجال العلامة الحلّی*، نجف، دارالذخائر، چاپ دوم.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *معجم الرجال الحديث*، بی جا، بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دارالقلم - الدارالشامیة، چاپ اول.
- ذاکری، محمدتقی (۱۳۹۳ش)، *زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شلمغانی* (پایان نامه)، استاد راهنما: دکتر نعمت الله صفری فروشانی، قم، دانشگاه ادیان.

- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، *تاریخ اسلام ووفیات المشاهیر والاعلام*، تحقیق: دکتر عمر عبدالاسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۹ق)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: ابراهیم زبیک، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ یازدهم.
- _____ (۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م)، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام حوادث ووفیات ۳۲۱ - ۳۳۰*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- رازی (ابن مسکویه)، احمد بن محمد بن یعقوب (۱۳۷۹ش)، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق: ابوالقاسم امامی، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم.
- راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مدرسة الامام المهدي.
- سمعانی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور (۱۳۸۲ق)، *الأنساب*، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- شبیری، سید محمدجواد (۱۳۸۳ش)، «سال شمار آموزش هارون بن موسی تلکبری»، فصل نامه علوم حدیث، سال نهم، شماره ۳۲، قم، مؤسسه دارالحديث.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ مجید احمدی کچایی (۱۳۹۱ش)، «چگونگی طرح وکلا در منابع امامی دوره غیبت صغرا»، فصل نامه مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۴.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم، بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیة*، قم، دارالمعارف الاسلامیة.
- _____ (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعة و اصولهم*، تصحیح: عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه محقق طباطبائی.
- _____ (۱۴۲۷ق)، *رجال*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، تحقیق: بخش تحقیقات اسلامی مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة.

- عظیم زاده تهرانی، طاهره (۱۳۸۲ش)، «علل دستگیری حسین بن روح نوبختی»، فصل نامه تاریخ/سلام، سال چهارم، شماره ۱۳.
- فاطمی، سید حسن (۱۳۸۵ش)، «نقد کتاب سازمان وکالت»، فصل نامه تاریخ درآیین پژوهش، سال سوم، شماره ۱۲.
- قرطبی، عریب بن سعد (۱۳۸۷ق)، صله تاریخ الطبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، رجال، تصحیح: دکتر حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۲۷ق)، الفوائد الرجالية من تفقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محیی الدین مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳ش)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- مسعودی، علی بن حسین (بی تا)، التنبيه والاشراف، تحقیق: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی، افست قم، مؤسسه نشر منابع الثقافة الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۴ش)، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم.
- نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی (۱۹۶۹م)، فرق الشیعة، تصحیح: محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، بی نا.
- نیومن، آندرو جی (۱۳۸۶ش)، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه: مهدی ابوطالبی و همکاران، قم، انتشارات شیعه شناسی.
- همدانی، محمد بن عبدالملک (۱۹۶۱م)، تکملة تاریخ الطبری، تحقیق: البرث یوسف کنعان، بیروت، المطبعة الكاثولیکية، چاپ دوم.
- یافعی عبدالله بن اسعد (۱۴۱۳ق)، مرآة الجنان، قاهره، دار الكتاب الاسلامی.